

طرح قانون نفت و گاز؛ چرا و چگونه؟



در ارائه و پیگیری آن تجدیدنظر اساسی بشود:

۱- طرح پیشنهادی پر از اشکالات عبارتی و انشائی است که به هیچ وجه با ساختار یک قانون تناسب ندارد. تنها به عنوان یک نمونه در ماده ۲ آمده است: «نفت و گاز کشور جزء انفال و ثروت‌های عمومی بوده و در اختیار حکومت اسلامی است بنابراین کلیه مخازن هیدروکربوری که در داخل کشور توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه در بخش بالادستی نفت و گاز انجام شده یا خواهد شد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود.»

۲- بخش قابل توجهی از طرح به تعاریف اختصاص دارد که در

طرحی تحت عنوان طرح قانون نفت و گاز با امضاء سی‌وشش تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با قید یک فوریت به مجلس ارائه گردیده است. طرح مذکور به قدری شتابزده و عاری از حداقل‌های قانون‌نویسی است که به راستی هر خواننده‌ای را نگران می‌کند و خصوصاً کارشناسان مطلع از ویژگی‌ها و حساسیت‌های صنعت نفت، بسیار نگران می‌شوند که با چنین برخوردهائی، آینده مهم‌ترین صنعت کشور چه خواهد بود. نکات زیادی در رابطه با این طرح قابل بحث است اما در این مختصر به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌کنیم در حدی که مشخص شود که اصولاً چنین طرحی نمی‌تواند قابل بررسی باشد و باید

شورای اسلامی ارائه دهد که متأسفانه با گذشت بیش از ۲۲ سال این اقدام انجام نپذیرفته است. قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ بسیار دقیق‌تر و کارشناسانه‌تر از طرح قانونی پیشنهادی اخیر است، اگر این قانون اجرا نشده است راه آن جایگزین کردن یک قانون شتابزده و پیچیده کردن قوانین و دامن زدن به معضل تعارض قوانین نیست. جالب و عجیب این است که در متن طرح پیشنهادی اخیر نمایندگان و در نامه پوششی آن خطاب به ریاست مجلس نیز کوچک‌ترین اشاره‌ای به قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ نشده است! آیا نادیده گرفتن یک قانون بعد از بیست و دو سال گفتگو از اجرا و عدم اجرای آن، خود موجب ترویج قانون‌گریزی نخواهد بود؟ و در این صورت آیا تضمینی برای اجرای هر قانون

جایگزین وجود خواهد داشت؟

۴- شاهبیت طرح اخیر

نمایندگان این است که در ماده ۳

آن هیئت امنائی برای اعمال حق

حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع

نفتی تعریف شده است. بر طبق

این ماده هیئت امناء مذکور متشکل

از ۱۳ نفر عضو است که به طور

خلاصه پنج نفر آنها از نمایندگان

مجلس شورای اسلامی، پنج نفر

آنها از دولت و سه نفر آنها از

شخصیت‌های علمی و متخصص

در اقتصاد انرژی هستند. این بدان

معناست که نمایندگان مجلس

در اعمال حاکمیت (به معنای

سیاست‌گذاری، کنترل و نظارت)

در بخش نفت دخالت پیدا خواهند

کرد. در صورتی که اعمال حاکمیت

در همه بخش‌های کشور به عهده وزارتخانه‌هاست و اصولاً

وزارت‌خانه‌ها وظیفه‌ای جز این ندارند. بنابراین این ماده

بطور وضوح تداخل وظایف میان دو قوه را موجب می‌شود.

در قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶ نیز اعمال حاکمیت در

بخش نفت به عهده وزارت نفت گذاشته شده است.

در پایان به‌عنوان کارشناسانی که همواره بی‌طرفانه و در

جهت منافع ملی با مسائل بخش نفت و انرژی برخورد کرده‌ایم و

بیش از همه منتقد عملکرد مجریان قوه مجریه بوده‌ایم امیدواریم

هیئت رئیسه محترم مجلس این طرح را نپذیرند و احیاناً با واگذار

کردن موضوع به مرکز پژوهش‌های مجلس راهی را برای اجرائی

کردن قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ پیدا کنند. ♦

مدیر مسئول

این بخش نیز اشتباهات فاحشی وجود دارد که خواننده را نسبت به حداقل دانش تدوین‌کننده آن در مورد مسائل نفت دچار تردید می‌کند. فی‌المثل در بند ۱ ماده ۱ واژه نفت به عنوان نماینده کلیه هیدروکربورها شناخته شده است که البته واژه هیدروکربور نیز یک غلط البته مصطلح است و صحیح آن هیدروکربن است و از یک متن قانونی بکار بردن واژه صحیح انتظار می‌رود: «۱-نفت: عبارت است از کلیه هیدروکربورها به استثنای زغال‌سنگ که به صورت» البته این تعریف متداولی برای نفت است اما از آنجا که گاز طبیعی نیز نوعی هیدروکربن است اگر تعریف از نفت این باشد دلیلی ندارد که نام طرح، قانون نفت و گاز باشد، چون چنین تعریفی از نفت،

گاز را هم در بر می‌گیرد و

پوشش می‌دهد. اما نکته دیگر

این که همان‌گونه که در ادامه

این تعریف ملاحظه می‌شود؛

زغال سنگ از هیدروکربن‌ها

استثنا شده است!! در

صورتی که زغال‌سنگ اصلاً

هیدروکربن نیست و کربن

خالص است و چنین استثنا

کردنی بی‌معناست.

۳- مهم‌ترین نکته این است که

اصولاً هدف از این طرح

روشن نیست. و روشن نیست

که این طرح برای پر کردن

چه خلای این ارائه گردیده است.

همانگونه که در سرمقاله

شماره گذشته ماهنامه اقتصاد

انرژی تحت عنوان «طلسم

اساسنامه شرکت ملی نفت

ایران» به تفصیل توضیح دادیم مشکل بخش نفت کشور

فقدان قانون نیست. قانون نفت در سال ۱۳۶۶ به تصویب

مجلس شورای اسلامی رسیده است و مشکل این است که

متأسفانه قانون مذکور اجرا نشده است و آنچه که اصولاً

زمینه مقدماتی ارائه طرح اخیر را فراهم نموده است و در

نامه پوششی ارائه‌دهندگان طرح نیز به آن اشاره شده است،

همان عدم اجرای قانون، خصوصاً در رابطه با ارائه قانون

جدید اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به مجلس است.

قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶ وزارت نفت را مکلف کرده

بود که اساسنامه شرکت ملی نفت و دو شرکت دیگر اصلی

زیرمجموعه وزارت نفت را حداکثر ظرف مدت یکسال در

چارچوب قانون مذکور تهیه نموده و برای تصویب به مجلس

